

بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت چهلمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل



چهل سال پیش در ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹ یک گروه ۹ نفره از پارتیزانهای فدایی به فرماندهی رفیق علی اکبر صفایی فراهانی، با حمله به پاسگاه ژاندارمری شهرک سیاهکل در استان گیلان، یکی از شیوا ترین حماسه های جنبش آزادیبخش مردم ایران را آفریدند. حماسه آفرینان رستاخیز سیاهکل پس از سالها کار تدارکاتی پرچم جنبش نوین کمونیستی ایران را برافراشتند و طی ۷ سال نبرد بی امان با شگفت انگیزترین فداکاریها و جسورانه ترین پیکارها، قدرت مطلقه دیکتاتوری شاه را به سُخره گرفتند و با عمل انقلابی، مرزهای حقیقی بین مردم و دشمن را ترسیم کردند.

آنها با تعمق و ژرف نگری در نظرات اندیشه پردازان جنبش کارگری و کمونیستی و با تجزیه و تحلیل رویدادهای سالهای دهه ۶۰ میلادی در گوشه و کنار جهان و با غلبه بر اپورتونیسم و دگماتیسم به این نتیجه رسیدند که باید بر قدرت مطلق دیکتاتوری ضربه وارد کرد تا در تداوم مبارزه، توده ها بر ضعف مطلق خود غلبه کنند. رزمندگان سیاهکل با آگاهی به دیدگاه فرصت طلبان گزافه گو که برای بی عملی خود به هزاران بهانه و توجیه تئوریک متوسل می شدند بر این اعتقاد بودند که مارکسیسم شریعت جامد نیست، رهنمود عمل است و برای مداخله در فرایند تحولات جامعه باید تئوری با عمل محک زده شود و برای هر مداخله جدی باید آماده پرداختن هزینه و پذیرش ریسک بود. آنها آگاهانه در راهی دشوار پای گذاشتند و این راه را با پیکارهای خونین و با قبول هزینه های سنگین کوتاه کردند.

رژیم شاه در واکنش به عملیات سیاهکل که قدرت مطلقه اش را به چالش کشیده بود، با بسیج نیروهای ویژه نظامی از زمین و هوا به سرکوب گسترده روی آورد. رفقا مهدی اسحاقی و محمد رحیم سمایی طی درگیریهای پس از ۱۹ بهمن به شهادت رسیدند و رفقا غفور حسن پور اصیل، علی اکبر صفایی فراهانی، احمد فرهودی، جلیل انفرادی، محمدعلی محدث قندچی، ناصر سیف دلیل صفایی، هادی بنده خدا لنگرودی، شعاع الدین مشیدی، اسکندر رحیمی مسچی، محمدهادی فاضلی، عباس دانش بهزادی و هوشنگ نیری در بیدادگاه های نظامی به اعدام محکوم و در روز ۲۶ اسفند همان سال به جوخه های اعدام سپرده شدند.

اما این واکنش عجولانه که با هدف قدرت نمایی صورت گرفت، رویاهای دیکتاتوری برای تثبیت «جزیره آرامش» را به کابوس ماندگار تبدیل کرد.

اسدالله علم در خاطراتش از قول محمد رضا شاه می نویسد: «عزم و اراده آنها اصلاً باور کردنی نیست، حتی زنها تا آخرین نفس به جنگ ادامه می دهند، مردها قرص سیانور در دهانشان دارند و برای این که دستگیر نشوند خودکشی می کنند» (امیر اسدالله علم، من و شاه، یادداشتهای محرمانه دربار سلطنتی ایران، ص ۱۴۶)

حماسه سیاهکل همچنین موجب برانگیختن کینه و نفرت روح الله خمینی که پس از ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۱ به گوشه ای خزیده بود گردید. او در پاسخ به نامه ۶ اردیبهشت ۱۳۵۰ مسئول اتحادیه انجمنهای اسلامی در اروپا، در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۰ نوشت: «باید حادثه سازیها و شایعه پردازیهایی را که در ممالک اسلامی برای تحکیم اساس حکومت استعماری است بررسی دقیق کنید. نظیر حوادث ترکیه و حادثه سیاهکل...» موضع خمینی آن قدر ننگین بود که وقتی این پیام در همان زمان در نشریه «اسلام مکتب مبارز» ارگان اتحادیه انجمنهای اسلامی در اروپا به چاپ رسید جمله «نظیر حوادث ترکیه و حادثه سیاهکل» حذف شد. (سید حمید روحانی (زیارتی)، نهضت امام خمینی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم پائیز ۱۳۷۴، جلد سوم، ص ۴۸۶-۴۸۷)

در حالی که شاه و شیخ در مقابل نیروی جدیدی که پرچم آزادی و ترقی را در دست داشت صف آرایی کردند، آگاهترین و پیشروترین زنان و مردانی که قلبشان برای آزادی و سعادت مردم ایران می تپید، به حمایت از جنبش نوین فدایی برخاستند.

جنبش دانشجویی و بخش وسیعی از جامعه فرهنگی و هنری ایران در صف مقدم پشتیبانان این حرکت پرشور و پر امید قرار گرفتند. اکثریت بزرگی از مدافعان رهایی و سوسیالیسم خود را با نام و مرام چریکهای فدایی خلق تعریف می کردند و با ادامه مبارزه گروهها و محافل بسیاری در سراسر کشور پیرامون جنبش پیشتاز فدایی به مثابه پرچمدار جنبش کمونیستی ایران، شکل گرفت.

بیهوده نیست که با گذشت ۴۰ سال از قیام سیاهکل قلم به مزدان خامنه ای با مشتکی اراجیف سخیف و ردیالانه، حمله و هجوم به اصطلاح نظری به جنبش پیشتاز فدایی طی سالهای پیش از قیام بهمن را در دستور کار خود گذاشته اند.

جنبش پیشتاز فدایی طی سالهای ۱۳۴۹ تا قیام بهمن ۱۳۵۷، زیر شدیدترین ضربات ساواک شاه بود و با وجود فقدان تمامی رهبران خود توانست به پایدارترین سازمان سیاسی کشور تبدیل شود. در این پیکار بی امان، مردم ایران با زنان و مردانی آشنا شدند که صادقانه به عمل انقلابی برای تغییر شرایط روی آوردند و حاضر بودند هزینه عملی شدن تئوریهای خود را بپردازند.

این جنبش با وجود بعضی نارساییها، انحرافها، خطاها و کمبودها، به یک سازمان نیرومند با پایگاه گسترده اجتماعی و به یکی از قدرتمندترین سازمانهای کمونیستی در خاورمیانه تبدیل شد. در اولین گردهمایی علنی آن در ۱۹ بهمن سال ۱۳۵۷ در دانشگاه تهران، بیش از صد هزار تن شرکت کردند و در پی آن در گردهمایی و راهپیمایی روز ۲۱ بهمن سال ۱۳۵۷ بیش از ۲۰۰ هزار نفر شرکت کردند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در آغاز چهل و یکمین سال حیات خود یاد و خاطره همه ی زنان و مردان دلیر جنبش پیشتاز فدایی که طی چهل سال گذشته در پیکارهای بی امان در پای چوبه های دار و در رزمهای خیابانی، در راه هدفهای جنبش نوین کمونیستی ایران به شهادت رسیدند را گرامی می دارد.

ما به تمامی زنان و مردان ایران زمین که برای آزادی، دموکراسی، صلح و پیشرفت، عدالت و جدایی دین از دولت و نابودی ستم جنسی، مذهبی و ملی مبارزه می کنند درود می فرستیم. یاد و خاطره تمامی کسانی که در قیامهای پرشکوه و حماسی سال ۸۸ به شهادت رسیدند و زیر شکنجه جلاخان و یا در پای چوبه های اعدام جان باختند را گرامی می داریم.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران با ستایش از مقاومت زندانیان سیاسی به زنان و مردان دلیری که در زندانهای ولایت ننگین خامنه ای و در زیر شکنجه های وحشیانه برای آزادی پایداری می کنند درود می فرستد. ما با ستایش از مقاومت و پایداری خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی، همبستگی خود را با آنان اعلام می کنیم

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در چهلمین سالگرد رستاخیز سیاهکل برخی از مهمترین دیدگاههای خود را به اطلاع مردم ایران و فعالان جنبش کمونیستی و جنبش رنگین کمان بیشماران می رساند.

برای غلبه بر پراکندگی در جنبش کمونیستی ایران

سازمان ما خود را جبهه نیروهای کار تعریف می کند و برای سوسیالیسم و تحقق شعار «از هر کس به اندازه استعدادش و به هر کس به اندازه نیازش» مبارزه می کند.

از نظر ما همان گونه که در منشور سازمان قید شده «یک نظام سوسیالیستی، نظامی دموکراتیک، پلورالیستی، سکولاریستی (جدایی دولت از مذهب و ایدئولوژی) و مبتنی بر دخالت مستقیم مردم در امور خودشان و شناسایی حق تعیین سرنوشت مردم است. سازمان مخالف هرگونه سوسیالیسم غیر دموکراتیک، مخالف تلفیق حزب کمونیست با دولت، مخالف هرگونه سوسیالیسم سرکوبگرانه، اراده گرایانه و خودکامه، مخالف هرگونه دخالت در زندگی خصوصی افراد جامعه و مخالف سوسیالیسم متکی بر کیش شخصیت است. دیدگاهها و اندیشه های رهبران و تئوریسینهای برجسته جنبش جهانی کمونیستی و از جمله مارکس، انگلس، لنین و... برای سازمان نه یک «شریعت جامد»، بلکه «رهنمود عمل» است. از این جهت ما هرگونه ساده اندیشی، کپی برداری، دگماتیسم، شریعت سازی، مطلق گرایی و تاجر را که بزرگترین مانع تکامل اندیشه های ترقیخواهانه و انقلابی است، رد می کنیم. اندیشه و تئوریهای ما باید انسان را مرکز توجه قرار داده و هماهنگ با دستاوردهای علمی باشد. سازمان به این امر واقف است که در اندیشه و تئوری اش ناچاراً محدودیتها، ناتوانیها، چالشها، ضعفها و تنگناهایی وجود دارد که تنها در تلاش برای تطابق با پیشرفت عینی جامعه و توجه اکید به دستاوردهای علمی و فنی بشریت می تواند بر آنها غلبه نماید. سازمان اعتقاد ندارد که برای تمام مسائل یک جواب حاضر و آماده دارد و بنابراین در اندیشه و تئوری، مدافع مدار، تسامح، نقد، پژوهش و بررسی دقیق عمل اجتماعی به مثابه محک تئوری می باشد.... سازمان مدافع پیگیر مدرنیسم بوده و باید همواره خود را با انقلاب علمی و فنی پایان قرن بیستم هماهنگ کند. ما علیه هرگونه تبعیت و دنباله روی از نهادها، ارزشها و روشهای سنتی که همواره از توسعه علمی و فنی فاصله می گیرند مبارزه می کنیم.» (مواد ۲، ۳ و ۴ منشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، آبان ماه ۱۳۷۶)

ما بر این اعتقادیم که برای غلبه بر پراکندگی در جنبش کمونیستی ایران در گام اول باید بر «شریعت سازی تئوریک» غلبه کرد. بنانگذاران جنبش پیشتاز فدایی با اعتقاد به سوسیالیسم به عنوان راه رهایی کارگران و مزدبگیران در گام اول بر هرگونه آیین سازی دگماتیک خط بطلان کشیدند. برای آنها مارکسیسم نه یک شریعت جامد که رهنمود عمل بود و از همین نگاه بود که با دگم حزب سازی، در تئوری و عمل مرزبندی قاطع کردند.

همچنان که در گذشته اعلام کرده ایم، به گمان ما، حل بحران پراکندگی در جنبش کمونیستی ایران و شکل گیری یک قطب کمونیستی در جنبش رهاییبخش مردم ایران که بتواند با ژرف نگری و توجه به شرایط عینی کنونی نقش مداخله گر داشته باشد، در گرو تکیه به مضمون و توجه به درون مایه جنبشی است که از سیاهکل آغاز شد. بدون تردید این تکیه و توجه بدون بررسی نارساییها، انحرافها، خطاها و کمبودهایی که چریکهای فدایی خلق در سالهای پس از حماسه سیاهکل تا انقلاب بهمن ۱۳۵۷ داشتند، ره به جایی نخواهد برد. نیروهای ارتجاعی و دشمنان آزادی، صلح و سوسیالیسم با عربده

جویی مشمئزکننده و با شیوه های معرکه گیران و رمالها دم از نابودی چپ و بی بدیل بودن لیبرالیسم عنان گسیخته جدید می زنند تا نظام دینی حاکم بر کشور ما را بی بدیل جلوه دهند. واقعیت این است که در شرایط حساس و پیچیده پس از قیام بهمن ۱۳۵۷ که یک رژیم مذهبی با جنبش توده ای به قدرت رسید، سازمان ما به علت فقدان یک خط مشی درست و در فقدان رهبران هوشیار، صادق و انقلابی و به علت مناسبات ضد دمکراتیک درون تشکیلات که منجر به انشعابهای گوناگون شد، نتوانست نقش یک سازمان پیشرو، جدی و مداخله گر را اجرا کند. این ضعفهای اساسی نه به علت خط مشی سازمان در سالهای پیش از انقلاب بهمن که به علت عدم توانایی در تطابق با شرایط در حال تحول بود. درس آموزی از تجربه گذشته جنبش پیشتاز فدایی و درک شرایط جدید در ایران و در سطح جهان تنها راهی است که می تواند جنبش کمونیستی ایران را در جایگاه واقعی خود قرار دهد.

ما از تمامی فعالان جنبش کمونیستی ایران که برای استقلال، آزادی، دموکراسی، صلح، سوسیالیسم مبارزه می کنند و از همه ی پیروان جنبش پیشتاز فدایی دعوت می کنیم که برای گسترش و تقویت نقش کمونیستهای ایران در انقلاب دمکراتیک و ضد استبدادی مردم ایران متحد و متشکل شوند. منشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، پیشنهاد ما به همه ی کمونیستهای ایران برای اتحاد و همبستگی است.

نخستین گام تحقق انقلاب دمکراتیک

مردم ایران از آستانه انقلاب مشروطیت تا کنون برای دمکراتیزه کردن حیات جامعه و مشارکت مستقیم در سرنوشت خود سر برافراشته اند. بیش از صد سال است که زنان و مردان ایران زمین با جنبشهای سترگ خویش برای تحقق آزادی مبارزه می کنند. واقعیت این است که بدون تحقق دموکراسی و مشارکت مستقیم توده ها در سرنوشت خود، کمونیستها نمی توانند به هدف نهایی خود دست پیدا کنند. بی توجهی به دمکراتیزه کردن حیات سیاسی و از آن بدتر به سخره گرفتن دموکراسی خواهی و سازمانیابی طبقاتی در یک جامعه دمکراتیک خسرانهای زیادی به جنبش کمونیستی ایران وارد کرده است. در شرایط کنونی و با وجود حاکمیت استبداد دینی این نیاز به مراتب بیش از گذشته خود را نشان می دهد. منافع کارگران و مزدبگیران ایران ایجاب می کند که همسو و همراه با دیگر نیروهای اجتماعی برای تحقق یک انقلاب دمکراتیک بکوشند. نیروهای کار بیش از همه از دمکراتیزه شدن حیات سیاسی جامعه سود می برند. دیدگاهی که با شعار «سوسیالیسم اکنون» تحقق حداقل خواسته های دمکراتیک مردم را به تحقق سوسیالیسم موکول می کند، دیدگاهی عمیقاً انحرافی است. مدافعان این دیدگاه از حذف نیروهای غیر کارگری در جنبش آزادیخواهی مردم ایران شروع می کنند و به حذف نیروهای کار می رسند. تردیدی نیست که مناسبات اقتصادی در جامعه ایران، مناسبات سرمایه داری در یک کشور پیرامونی است. اقتصاد ایران بر اساس مناسبات سرمایه داری به شیوه های گوناگون با اقتصاد جهانی پیوند دارد. اما این واقعیت نمی تواند واقعیت دیگر جامعه ایران را انکار کند: حاکمیت در ایران بر اساس استبداد مذهبی و بر پایه ولایت مطلقه فقیه است. این شکل از حاکمیت قرون وسطایی نه فقط با کارگران و مزدبگیران، که با کل جامعه در ستیز است. قیامهای رنگین کمان بیشماران در سال ۱۳۸۸، نیاز طیف گوناگونی از نیروهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه ایران برای دمکراتیزه کردن حیات سیاسی را به همه نشان داد.

ما با توجه به واقعیت عینی جامعه ایران، انقلاب دمکراتیک را نخستین گام برای تحقق خواسته های عادلانه کارگران و مزدبگیران ایران می دانیم و در شرایط کنونی برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه و تحقق یک جمهوری مستقل، دمکراتیک و غیر دینی (انقلاب سیاسی دمکراتیک) تلاش می کنیم. رژیم ولایت فقیه باید سرنگون شود تا مردم ایران در یک انتخاب آزاد بتوانند با ایجاد مجلس موسسان، قانون اساسی جدید را تدوین و تصویب کنند. شرط اولیه تحقق یک انتخابات آزاد چنین است:

آزادی فعالیت سیاسی، آزادی بدون حد و مرز بیان و اندیشه، آزادی اطلاع رسانی و نفی هرگونه سانسور، آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی و لغو شکنجه و اعدام، رفع تمامی اشکال تبعیض جنسیتی از زنان و برابری کامل زن و مرد در تمامی عرصه های حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و قضایی، برخورداری اقوام و ملیتهای ساکن ایران از حقوق مساوی و بدون تبعیض در همه ی پهنه های دولتی و اجتماعی، لغو هرگونه تبعیض مذهبی، به رسمیت شناخته شدن حق اعتصاب، حق سازمانیابی و ایجاد تشکلهای مستقل نیروهای کار.

شرایط کنونی، ادامه بحران غیرقانونی (بحران انقلابی)

کشور ما در یکی از حساسترین و بحرانیترین لحظات تاریخ خود قرار دارد. رژیم حاکم بار این بحران را بر دوش مردم ستمدیده کشور ما گذاشته است. در حالی که طی ۳۲ سال گذشته ما شاهد کشتارهای هولناک و پیگردهای بربرمنشانه که مایه ننگ بشریت است بوده ایم، در دو سال گذشته سرکوبی و جنایت ابعاد گسترده تری پیدا کرده است. ولی فقیه نظام با انتصاب پاسدار احمدی نژاد از طریق انتخابات قلبی و نمایشی، جنگی آشکار علیه مردم ایران را ساماندهی کرده است. نقشه خامنه ای آن گونه که خود بیان می کند «ریل گذاری جدید» در جمهوری اسلامی و نظامی-امنیتی کردن هرچه بیشتر تمامی ارکان قدرت است. ولی فقیه این سیاست را از ۶ سال پیش با حذف شرکای قبلی خود آغاز و برای حفاظت از امنیت ولایتش و در مقابله با بحران داخلی و جهانی به سیاست انقباض هرچه بیشتر متوسل شد. ولی فقیه نظام برای جلوگیری از سرنگونی، میلیاردها دلار صرف پروژه اتمی و صدور بنیادگرایی و تروریسم در خاورمیانه و آشوبگری در عراق، فلسطین، لبنان و... می کند. اعلام جنگ ولایت خامنه ای با مردم ایران و جامعه جهانی در سال گذشته ابعاد جدیدی پیدا کرده است.

دولت نظامی امنیتی احمدی نژاد به نیابت از ولی فقیه با اعلام جنگ علنی با مردم ایران و با مداخله آشوبگرانه در بحران خاورمیانه، زندگی مردم را به تباهی کشیده است. رژیم، میلیاردها دلار صرف پروژه اتمی و صدور بنیادگرایی اسلامی در خاورمیانه می کند و این در شرایطی است که سطح زندگی کارگران، مزدبگیران و توده های مردم ایران روز به روز به قهقرا می رود.

در خرداد ماه سال ۱۳۸۸ خامنه ای در صدد بود تا در یک انتخابات به مهندسی شده ی به ظاهر رقابتی و در اساس نمایشی با برگماری مجدد گماشته اش همگان را وادار کند که در مقابل ولایتش سر تسلیم فرود آورند. اما مردم ایران که در ۱۳ خرداد ۱۳۸۸ شاهد مناظره تلویزیونی میرحسین موسوی و محمود احمدی نژاد بودند به شکاف در درون هرم قدرت پی بردند. نامه سرگشاده هاشمی رفسنجانی به این شکاف وضوح بیشتری داد و بحران غیرقانونی و یا بحران انقلابی پس از مناظره ۱۳ خرداد کلید خورد. پس از اجرای انتخابات نمایشی و اجرای تقلب بزرگ، با جرعه اطاق جادوگری «تجمیع آرا»، جامعه منفجر و در میان ناباوری فرصت طلبان و مماشات گران داخلی و بین المللی، خشم انباشت شده مردم ایران با زنجیره ای از خیزشها و قیامها سر ریز کرد. حرکت مردم تضاد درون هرم قدرت را شدت بیشتری بخشید و جنبش رنگین کمان بیشماران، ولایت خامنه ای را به کشتی به گل نشسته ای تبدیل کرد. شرایطی به وجود آمد که بالاییها نمی توانند همچون گذشته حکومت کنند و مردم دیگر نمی خواهند به شکل سابق زندگی کنند که نتیجه آن شکل گیری روانشناسی تغییر در مردم است.

مردم پایه های استبداد مذهبی و سلطنت مطلقه خامنه ای را به لرزه درآوردند و با فریاد «مرگ بر دیکتاتور»، «مرگ بر خامنه ای» اقتدار ولی فقیه را به سخره گرفتند. یکبار دیگر ثابت شد که گرانیگاه تحول و کانون اصلی ستیز در جامعه ما بین مردم و قدرت حاکم است. قیامهای مردم برخلاف دیدگاه سازشکاران و فرصت طلبان که با کلی گوییهای فضل فروشانه، کانون هر تغییر و تحولی را در درون نظام ولایت فقیه جستجو می کنند و ظرفیت انفجاری جامعه را با عوامفریبی

و یا خودفریبی به هیچ می گیرند، نشان داد که نه رژیم ولایت فقیه ظرفیت تحول پذیری از درون دارد و نه مردم ایران به لاف و گزافهای کسانی که از سرحقارت و یا به علت نادانی به درونمایه اساسی جامعه توجه ندارند، اهمیت می دهند. با آگاهی دقیق به این واقعیت بود که خامنه ای تصمیم گرفت تا از تمامی ظرفیت سرکوبگری استفاده کرده و با ایجاد تزلزل در جبهه اصلاح طلبانی که از حاکمیت حذف شده اند، قیامهای مردم را مهار کند. در ۲۲ بهمن سال قبل که ساده اندیشان در رویای «اسب تراوا» برای گرفتن صحنه از دست طرفداران محدود اما مسلح و وحشی ولی فقیه بودند، رژیم توانست با بسیج نظامی حداکثری به میزان زیادی جنبش مردم را مهار کند. اما جنبش سر بازایستادن نداشت و به اشکال مختلف و منجمله با حرکات اعتراضی کارگران و مزدبگیران، با حرکت‌های دانشجویان و با اعتراض‌های پراکنده اما مداوم توده ای ادامه یافت.

در حالی که استبداد مذهبی نتوانسته برای تامین اولیه ترین نیازهای مردم ایران چاره اندیشی کند، طرح ضد مردمی حذف یارانه ها توسط دولت احمدی نژاد به اجرا گذاشته شده و اجرای این طرح ظرفیت انفجاری در جامعه را افزایش داده است.

نه بالائینها توانستند بر شکاف درونی خود غلبه کنند و نه پائینینها خموده و تسلیم شدند. توده ها هنوز در تب و تاب تغییر هستند و ولی فقیه و کارگزارانش به طور مداوم از خطر «فتنه» دم می زنند.

غلامحسین الهام، مشاور حقوقی احمدی نژاد می گوید: «نباید ظرفیتی که برای کوبیدن فتنه ایجاد شده است جمع شود، چرا که با بایگانی و فراموش کردن آنها تجربه‌ها فراموش شده و فتنه جدید شکل خواهد گرفت.» (سایت پارلمان نیوز ۱۸ دی ۱۳۸۹)

محمدنبی حبیبی، دبیرکل حزب موتلفه اسلامی با بیان این که فتنه هنوز تمام نشده است گفت: «فتنه هنوز تمام نشده است... دشمن هر روز طراحی‌های پیچیده‌تری برای براندازی جمهوری اسلامی انجام می‌دهد.» (عصر ایران ۲۵ دی ۱۳۸۹) علی اکبر ولایتی در مقام مشاور امور بین المللی ولی فقیه می گوید: «به نظر بنده این فتنه بعد از یک سال هنوز تمام نشده است.» (سایت آفتاب، سه شنبه ۷ دی ۱۳۸۹)

تعادل ناپایدار بین مردم و نیروهای سرکوبگر و فقدان قیام‌های گسترده خیابانی دلیلی برای پایان یافتن بحران غیر قانونی نیست. مبارزه برای رهایی ادامه می یابد و رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران به دست مردم ایران برخورد افتاد.

کارگران، مزدبگیران، کارمندان، معلمان، دانشجویان، دانش‌آموزان، زنان، جوانان و روشنفکران!

ما ضمن محکوم کردن احکام اعدام که به ویژه در ماههای اخیر شتاب بیشتری گرفته، خواستار آزادی تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی و برچیدن مجازات‌های وحشیانه سنگسار، قصاص، قطع اعضای بدن و اعدام در ایران هستیم. ما خواستار اقدام بیدرنگ بین المللی برای بازدید از زندانهای رژیم جمهوری اسلامی و ملاقات با زندانیان سیاسی هستیم.

ما خواستار آن هستیم که حقوق زنان و مردان ساکن در شهر اشرف بی‌درنگ از جانب دولت عراق به رسمیت شناخته شود. در مبارزه برای تثبیت حقوق مجاهدان شهر اشرف ما در کنار همه ی تلاشگران و فعالان حقوق بشر قرار داریم.

ما از مبارزه به حق کارگران، مزدبگیران و کارکنان شرکتهای دولتی و خصوصی علیه نظام حاکم و سرمایه داری لگام گسیخته که تعرض به سطح زندگی و معیشت مردم را گسترش بی سابقه داده، حمایت می کنیم. ما از خواست کارگران

ایران برای حق اعتصاب و حق ایجاد تشکلهای مستقل کارگری و نظارت سازمان بین المللی کار بر حقوق کارگران ایران حمایت می کنیم.

ما از کمیسیون حقوق بشر ملل متحد، از سازمان جهانی کار، از همه ی سندیکاها و اتحادیه های کارگری در سراسر جهان می خواهیم که از مبارزه کارگران و مزدبگیران ایران برای ایجاد تشکلهای مستقل کارگری حمایت و پشتیبانی کرده و رژیم حاکم بر ایران را به خاطر نقض قوانین مربوط به حقوق کار و دستگیری فعالان کارگری محکوم کنند.

ما از مبارزه زنان ایران برای لغو تبعیض جنسی و از مبارزه ملیتهای ساکن ایران برای رفع تبعیض ملی و از مبارزه اقلیتهای مذهبی برای لغو تبعیض مذهبی حمایت و پشتیبانی می کنیم.

امروز دیگر همگان می دانند که ادعای مستقل شدن در انرژی و دستیابی به تکنولوژی اتمی بهانه ای برای دستیابی به سلاح اتمی است.

ما خواستار توقف کامل تمامی عملیات و اقدامات رژیم ایران در زمینه اتمی می باشیم. گرچه سازمان ما بنا به دلایل گوناگون اقتصادی و زیست محیطی مخالف استفاده از انرژی اتمی است اما معتقدیم که مردم ایران در یک شرایط دمکراتیک و با توجه به طرح آزادانه نظرات کارشناسانه در این زمینه باید در مورد استفاده و یا عدم استفاده از انرژی اتمی تصمیم گیری کنند.

خواست اولیه و مقدم مردم ایران که همه ی شیفتگان آزادی در راه آن پیکار می کنند، سرنگونی رژیم ولایت فقیه و استقرار یک نظام دمکراتیک در ایران است. این خواست که ما و شورای ملی مقاومت مدافع آن هستیم، نه از طریق جنگ خارجی و دخالتگرانه امپریالیستی محقق می شود و نه از طریق چشم دوختن به درون نظام. تحقق آزادی و حاکمیت ملی و دستیابی مردم ایران به دموکراسی و عدالت و پیشرفت تنها از توسط اراده آزاد و عزم مردم ایران و نیروهای ترقیخواه میسر است.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران استفاده از تمامی اشکال مبارزه به شمول قیام مسلحانه را حق مسلم مردم می داند. ما کارگران، مزدبگیران، کارمندان، معلمان، دانشجویان، دانش آموزان، زنان، جوانان، روشنفکران و نیروهای ترقیخواه ایران را به اتحاد و مبارزه به منظور سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه و ایجاد یک جمهوری لائیک، دمکراتیک و مستقل فرا می خوانیم.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
۱۵ بهمن ۱۳۸۹ (۴ فوریه ۲۰۱۱)

سرود انترناسیونال

اوژن پوتیه

ترجمه: ابوالقاسم لاهوتی

با آهنگ سروده پییر دژیتیر Pierre Degeyter خوانده می شود

برخیز ای داغ لعنت خورده دنیای فقر و بندگی
شوریده خاطر ما را برده به جنگ مرگ و زندگی
باید از ریشه براندازیم کهنه جهان جور و بند
وانگه نوین جهانی سازیم هیچ بودگان هر چیز گردند

روز قطعی جدال است آخرین رزم ما
انترناسیونال است نجات انسانها
روز قطعی جدال است آخرین رزم ما
انترناسیونال است نجات انسانها

برما نبخشند فتح و شادی نه بت، نه شه، نه قهرمان
با دست خود گیریم آزادی در پیکارهای بی امان
تا ظلم از عالم بروسیم نعمت خود آریم به کف
دمیم آتش را و بکوبیم تا وقتیکه آهن گرم است

روز قطعی جدال است آخرین رزم ما
انترناسیونال است نجات انسانها
روز قطعی جدال است آخرین رزم ما
انترناسیونال است نجات انسانها

تنها ما توده جهانی، اردوی بیشمار کار
داریم حقوق جهانبانی نه که خونخواران غدار
گرد وقتی رعد مرگ آور بر رهنزان و دژخیمان
در این عالم بر ما سراسر تابد خورشید نور افشان

روز قطعی جدال است آخرین رزم ما
انترناسیونال است نجات انسانها
روز قطعی جدال است آخرین رزم ما
انترناسیونال است نجات انسانها